

فارسی ۳

(عباس عبدالمحمدی)

-۶

بیت «ب» ← «سر» مجازاً قصد / بیت «الف» ← «دل و گل» جناس / بیت «ج» ←

ایهام تناسب مهر: ۱- محبت و عشق (معنای قابل قبول) ۲- خورشید

«تناسب با، عیوق و آفتاب» / بیت «د» تناقض ← غم، باعث نشاط دل می‌شود.

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

(مریم شمیرانی)

-۷

«گرفت» در معنای «شعلهور شد» آمده است و در گزینه‌های دیگر در معنای «اخذ کردن» به کار رفته است.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

(کاظمی)

-۸

مفهوم مشترک ابیات مرتبط «قدرتمندی تقدير و غلبة آن بر خواست و اراده انسان هاست» است، اما در بیت گزینه «۳»، آمده است: «مخالفت با تقدير، گناهی بزرگ و ترک دعا و چاره‌اندیشی نیز گناهی دیگر محسوب می‌شود.»

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۱۴)

(علیرضا چهاری - شیراز)

-۹

در گزینه «۳»، بیت آمده اشاره به مفهوم حیران و نگران بودن «انسان عاشق به معشوق» دارد و ربطی به لبخند زدن ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: هر دو بیت بیانگر «اختناق و تسلط ظلم و ستم در جامعه» است.

گزینه «۲»: «قصه بیانگر درد درون گوینده آن است.» مفهومی است که در هر دو بیت اشاره شده است.

گزینه «۴»: کشته شدن مردان به دست نامردان در هر دو بیت اشاره شده است.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه‌های ۱۰۹ تا ۱۱۰)

(مریم شمیرانی)

-۱۰

در صورت سوال موبد به پادشاه می‌گوید: «برای آشکار شدن حقیقت، امتحان کن.» و شاعر در گزینه «۲» معتقد است که اگر آزمایش صورت گیرد، ناخالص‌ها، شرمنده می‌شوند.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۱۰)

(مرتضی منشاری - ارجیل)

-۱

معنی درست واژه:

هیون: شتر، بهویزه شتر قوی‌هیکل و درشت‌اندام

(فارسی ۳، لغت، واژه‌نامه)

(هنیف اخمن ستوه)

-۲

املای صحیح کلمه «کارگزاری» است.

(فارسی ۳، املاء، صفحه ۱۸۷)

(بهمشید مقصودی - کوهدشت)

-۳

در گزینه «۴»، «ش» در «پنداشتش» و «داشتش»، مفعول است و وابسته ندارد.

در ابیاتی که «ضمیر جهشی» وجود دارد، ابتدا باید، شعر را مرتب کرد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: یک رند مست گریبانش [را] گرفت.

گزینه «۲»: که افتادگان جایش [را] گرفتند.

گزینه «۳»: «پشت سگ» مفعول است و «سگ» وابسته پسین. در این بیت «را» نشانه

«فک اضافه» است (سگ را پشت ← پشت سگ) یعنی «را» به جای «» آمده است.

(فارسی ۳، زبان فارسی، صفحه‌های ۱۱۵ و ۱۱۶)

(مهربی آسمی - تبریز)

-۴

«ضرب» وابسته پسین در گزینه «۱»، در ترکیب «آداب ضرب» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: «نامه‌ام، دست راست» ← ۲ وابسته پسین

گزینه «۳»: «سهم جنگ، جنگ شیر، جنگ پلنگ» ← ۳ وابسته پسین

گزینه «۴»: «شجاع غضنفر، وصی نبی، نهنج یه، یم قدرت، قدرت حق» ← ۵

وابسته پسین

(فارسی ۳، زبان فارسی، صفحه ۱۱۵)

(محمد رضا زرسنج - شیراز)

-۵

گزینه «۲»: مصراع دوم، مصدق و تمیلی بر مصراع اول نیست و مفهوم دو

مصراع، معادل و مساوی نیست: چون بیمار، صلاح کار خود را نمی‌داند باید به

داروهای تلخ و شور بزشک روزگار راضی باشد. به این سه دلیل، اسلوب معادله

محسوب نمی‌شود. / در بیت مراجعات‌نظیر وجود دارد. «مریض و طبیب» / «تلخ و

شور» استعاره از «ناگواری‌ها»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۴»: مراجعات‌نظیر: «سگ و آتش و مینا (زیرا شیشه را بهوسیله حرارت از

سنگ می‌گیرند)» / استعاره: «ترمی کردن سنگ با آتش» / اسلوب معادله:

«هنگامی که دل نسبت به دشمن ملایمت نشان دهد، ناب و خالص می‌شود

همان طور که نرمی کردن سنگ با آتش، موجب ارزشمندی آن و تبدیل به شیشه

شدن است.»

گزینه «۳»: تشخیص و استعاره: «سازگاری کردن موم با رشته / مراجعات‌نظیر:

«موم و رشته و شمع» / اسلوب معادله: «دوستی کردن با عاجزان و تهیدستان

موجب آگاهی و دانایی می‌شود همان‌طور که سازگاری میان موم و نخ موجب

به وجود آمدن شمع می‌گردد.»

گزینه «۴»: مراجعات‌نظیر: «لقمه و دهن» / تشخیص و استعاره: «روزی اره»، «دندان

اره» / اسلوب معادله: «لقمه‌ای که قسمت کسی نباشد از دهان می‌افتد، همان‌طور که

ریزه‌های چوب از تماس اره با چوب، ریخته می‌شود.» (فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)



فارسی ۲

-۱۱

(الهام ممدمی)

سیادت: سوری، بزرگی / قلا کردن: کلک زدن، کمین کردن برای شیطنت /

مجادله: جدال و ستیزه / گرازان: جلوه‌کنان و با ناز راه رونده

(فارسی ۳، لغت، واژه‌نامه)

-۱۲

(سیدهمام طباطبائی نژاد)

املای واژه زیر غلط نوشته شده است.

معونت: کمک و پشتیبانی (مؤونت: هزینه زندگی، خرچی روزانه)

(فارسی ۴، املاء، صفحه ۱۱۸)

-۱۳

(شیف اخفمن ستوه)

در این گزینه هر دو «و» نشانه بسطاند.

تشرح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «و» در «دریا و کوه» و «خسته و ضعیف» عطف و در «دریا و کوه در

ره [است] و من [هستم]» ربط است.

گزینه «۳»: در مصرع اول «و» ربط است، اما در مصرع دوم «و» عطف.

گزینه «۴»: همه «و» مصرع اول نشانه بسطاند، اما در مصرع دوم «و» به نشانه

عطاف است و «زهر» معطوف است به «قهر».

(فارسی ۴، زبان فارسی، صفحه ۱۱۰)

-۱۴

(مسنون خارابی - شیراز)

«گرفته است» فعل ماضی نقلی است.

تشرح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: یک کربلا شکوه به چشمتم نهفته (مسند) است (فعل).

گزینه «۲»: گفت: پوسیده (مسند) است (فعل) ...

گزینه «۴»: ... دل داغدار من زنده (مسند) است (فعل)

(فارسی ۴، زبان فارسی، صفحه ۱۱۵)

-۱۵

(مرتضی منشاری - اریل)

تشرح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: ماه نو و مرغان آواره: راییندرانات تاگور

گزینه «۲»: پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران / پرنده‌ای به نام آذرباد: ریچارد باخ

گزینه «۴»: دیوان غربی، شرقی: یوهان ولنگانگ گوته

(فارسی ۴، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۱۶ تا ۱۱۵)

(مرتضی منشاری - اریل)

-۱۶

گزینه «۱»: تشبيه: بحر کمال / پارادوکس ندارد. (تضاد: کامل‌ها، اکنون ناقص شده‌اند، ناقص‌ها اکنون کامل شده‌اند.)

تشرح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: تلمیح: اشاره به «التبی مزرعة الآخرة» / تشبيه: مزرع سبز فلک، دلی مه نو

گزینه «۳»: استعاره: «سره» استعاره از معشوق / اوج آرایی صوت «»

گزینه «۴»: مجاز: «گوش» مجاز از شنونده / جناس: هوش و گوش

(فارسی ۲، آرایه، ترکیبی)

(عبدالله‌میر رازق)

-۱۷

مفهوم مشترک گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» آزمودن دوستان در روزهای سخت می‌باشد. مفهوم گزینه «۴»: رضا و خشنودی دوست، رضای ماست. (آرزوی خشنودی و رضای دوست می‌باشد در همه حال)

(فارسی ۲، مفهوم، صفحه ۱۰۰)

(مریم شمیران)

-۱۸

عبارت، نشان‌دهنده بی‌نظم و ترتیب بودن شخصیت داستان است.

(فارسی ۴، مفهوم، صفحه‌های ۱۳۷ تا ۱۳۵)

(ابراهیم رضایی مقدم - لاهیجان)

-۱۹

مفهوم منظمه داده شده و ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴»، «بیان تواضع» و مفهوم بیت گزینه «۲» «مقام والای معشوق» است.

(فارسی ۴، مفهوم، صفحه ۱۳۹)

(مریم شمیران)

-۲۰

مفهوم صورت سؤال ترجیح دادن دیگران بر خود است و این معنی در گزینه «۲»، نیز آمده است. وقتی شاعر می‌گوید از دست‌یابی به مراد خود دوری کن اگر می‌خواهی در میان بی‌مرادان غمگین نباشی (آن را بر خود ترجیح بده).

(فارسی ۴، مفهوم، صفحه ۱۱۸)

(رویشلی ابراهیمی)

«کرم، خوارکی برای کلاخها محسوب می‌شود!» ← درست است.

تشویچ گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «کلاخها هم نوعانشان را گرچه به یک بیماری مسری مبتلا شده باشند، نمی‌کشنند!» ← نادرست است.
 گزینه «۲»: «کلاخ همه آن چه را در جنگل می‌گذرد احساس می‌کند و برای همین از باهوش ترین پرندگان نامیده می‌شود!» ← نادرست است.
 گزینه «۳»: «بدن نرهای کلاغان معمولاً کوچک‌تر از ماده‌های آن هاست!» ← نادرست است.
 (درک مطلب)

-۲۶

(رویشلی ابراهیمی)

«تر غذا می‌آورد و ماده آن را به جووجهها می‌دهد!» ← درست است.

تشویچ گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «ماده در لانه دو تا شش تخم می‌گذارد!» ← درست است، ولی تخم‌گذاری جزء تقسیم وظائف نیست.
 گزینه «۲»: «کلاخ غذایش را با برگ‌های درخت و غیر آن پنهان می‌کند!» ← جزء تقسیم وظایف نیست، زیرا هر کلاغی (چه ماده و چه نر) این کار را می‌کند.
 گزینه «۴»: «وقتی کلاغ‌ها در معرض خطری قرار بگیرند، همگی به دشمنان حمله می‌کنند!» ← در متن به این مطلب اشاره‌ای نشده است.
 (درک مطلب)

-۲۷

(رویشلی ابراهیمی)

«کلاخی در دو قاره قطبی (قطب شمال و قطب جنوب) یافت نمی‌شود!» ← نادرست است.

تشویچ گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «انواع خیلی زیادی دارد!» ← درست است.
 گزینه «۲»: «در اغلب مناطق جهان بزرگ ما زندگی می‌کند!» ← درست است.
 گزینه «۴»: «هردم در پارک‌های عمومی به کلاخ‌ها غذا می‌دهند!» ← درست است.
 (درک مطلب)

-۲۸

(رویشلی ابراهیمی)

«وقتی کلاغ‌ها گرسنه باشند به کشاورزان در مزارع حمله می‌کنند!» ← نادرست است.

تشویچ گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «کلاخ غذای مختلف را دور از چشمان دشمنان ذخیره می‌کند!» ← درست است.
 گزینه «۲»: «گاه کلاخ جفت‌ش را به خاطر بیماری مسری که بدان مبتلا شده است، می‌کشد!» ← درست است.
 گزینه «۳»: «ماده کلاخی دیده نشده است که ده تخم گذاشته باشد!» ← درست است.
 (درک مطلب)

-۲۹

(رویشلی ابراهیمی)

کلمه «بعیداً» اسم مفرد مذکور و نکره است که نقش (محل اعرابی) حال دارد. در گزینه «۱»: «غلُم»، در گزینه «۳»: « فعل مضارع» و در گزینه «۴»: «مؤنث» نادرست‌اند.
 (تمثیل صرفی و مهل اعرابی)

-۳۰

عربی، زبان قرآن ۳

-۲۱

(هیرش صمدی تواری- مریوان)

«کان»: بود / «محبّاً»: دوستدار، عاشق / «کانَ يَسْتَرُ»: مخفی می‌کرد (ماضی استمراری) / «جَبَّهَ»: عشقش / «عِنْدَ خُلَفَاءِ بَنِي أُمَّةٍ»: نزد خلفای بنی امیهه / «ولَكَنَّ»: اما او / «جَهَرَ بِهِ»: آشکار کرد آن را / «فِي النَّهَايَةِ»: سرانجام، در نهایت

(ترجمه)

-۲۲

(هیرش صمدی تواری- مریوان)

ترجمه صحیح گزینه «۴»: همانا فکر همیشه از کتاب‌ها تغذیه می‌کند و در کتاب‌ها، فقط تجربه‌ها وجود دارند!

(ترجمه)

-۲۳

(فاطمه منصوری‌فائل)

آیه شریفه در صورت سوال و بیت گزینه «۳» هر دو به این نکته اشاره دارند که «نامیدی از درگاه خداوند کفر است و این‌که فقط کافران از رحمت خداوند نامید می‌شوند».

(مفهوم)

-۲۴

(سید محمدعلی مرتضوی)

در این گزینه «إِلَّا» نداریم، بلکه «أَلَا» داریم که مخفف «أَنْ + لَا» است. (آن لا یتکاسل فی الْحَيَاةِ... که در زندگی تبلی نکند!) بنابراین در این گزینه اسلوب استثناء و مستثنی نیز وجود ندارد.

(استثناء)

-۲۵

(سید محمدعلی مرتضوی)

هنگامی «إِلَّا» معنای «فقط» می‌دهد که در جمله اسلوب حصر داشته باشیم، در گزینه «۱» در جمله قبل از «إِلَّا» مستثنی منه ذکر نشده است، پس اسلوب حصر داریم.
 در سایر گزینه‌ها: «أَحَدُ النَّاسُ وَ جَمِيعُ» مستثنی منه هستند که همگی ذکر شده‌اند.

(استثناء)

ترجمه متن درک مطلب:

«کلاخ پرنده‌ای است که انواع زیادی دارد حدود ۲۷ نوع از آن یافت می‌شوند که در بیشتر نواحی جهان جز قاره قطب جنوب و آمریکای جنوبی پراکنده می‌باشند. نرها معمولاً جسم بزرگ‌تری نسبت به ماده‌ها دارند. کلاخ‌ها از محصولات کشاورزی و میوه و کرمها و حشرات و ماهی‌ها و چیزهای دیگر تغذیه می‌کنند و غذایشان را انبار می‌کنند و آن را با برگ‌های درخت و غیر آن به دور از دشمنانشان از میان پرندگان پنهان می‌کنند.
 وقتی یکی از کلاخ‌هایی که در گروه زندگی می‌کند در معرض یک بیماری قرار گیرد، کلاخ‌ها اقدام به کشتنش می‌کنند تا این بیماری به بقیه منتقل نشود و این دلیل بزرگی است بر این که کلاخ‌ای گمان از باهوش ترین انواع پرندگان می‌باشد.
 ماده در لانه بین دو تا شش تخم می‌گذارد و وقتی جوجه‌ایشان از تخم متولد شوند، نر اقدام به آوردن غذا می‌کند و ماده به غذا دادن به آن‌ها می‌پردازد»



(قالد مشیریناهی- (ملکان)

ترجمة عبارت داده شده در گزینه «۳» چنین است: «زمین بعد از بارش باران در فصل های مختلف سرسیز می شود!» چنین چیزی نادرست است.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: ترجمة عبارت: «همشاگردی همان دانش آموزی است که همراه تو در مدرسه به تحصیل می پردازد!»
 گزینه «۲»: ترجمة عبارت: «مردم پاکستان به زبان اردو سخن می گویند!»
 گزینه «۴»: ترجمة عبارت: «دکترای افتخاری، مدرکی برای قدردانی از فردی برای تحقیقات و تلاشش در زمینه ای معین است!»

(مفهوم)

-۳۶

(فاظمه منصوریان)

«فأَلْتَ»: گفتند (فعل ماضی) / «الْأَعْرَابُ»: بادیه نشینان / «أَمَّا»: ایمان آوردیم (فعل ماضی) / «فَلُ»: بگو (فعل امر) / «لَمْ تُؤْمِنُوا»: ایمان نیاورده اید (ماضی نقلی منفی)، ایمان نیاوردید (ماضی ساده منفی) / «وَلَكُنْ»: بلکه / «قُولُوا»: بگویید (فعل امر) / «أَسْلَمْنَا»: اسلام آوردیم (فعل ماضی)

(ترجمه)

-۳۱

(قالد مشیریناهی- (ملکان)

در گزینه «۲» آمده است که «آیا پژشک پیش از معاینه، نسخه می نویسد؟»
 بهله، پیش از معاینه آن را می نویسد. جواب این سوال نادرست است چرا که پژشک بعد از معاینه نسخه می نویسد و باید اینگونه جواب داده می شد: «لا، یکشنبه بعد **الفَحْصِ** نه، آن را پس از معاینه می نویسد.»

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: «از پژشک پرسیدم این دارو را از کجا دریافت کنم؟ به من گفت آن را در انتهای راهروی درمانگاه دریافت کن.»
 گزینه «۳»: «چه زمانی نفوذ زبان فارسی در زبان عربی زیاد گشت؟ در عصر عباسی.»
 گزینه «۴»: «آیا همه حروف فارسی در زبان عربی وجود دارد؟ نه، برخی حروف فارسی در زبان عربی وجود دارد.»

(مفهوم)

-۳۷

(قالد مشیریناهی- (ملکان)

«بعد اجراء حفلة»: پس از اجرای جشنی («حفلة» نکره است؛ رد گزینه «۱») / «بمناسبة العام الدراسي الجديد»: به مناسب سال تحصیلی جدید («آغاز» در گزینه «۲» اضافی است و معادل عربی ندارد.) / «لِيَعْرِفُ طَلَابُنَا»: داش آموزان ما باید بدانند (رد گزینه های «۱» و «۴») / «أَنْ مُسْتَقِلُ الْبَلَادُ»: که آینده کشور / «فَى أَيْدِيهِمُ الْقُوَّةُ»: در دستان توانمند ایشان (رد گزینه های «۲» و «۴»)

(ترجمه)

-۳۲

(بهزاد بیانیش- فائمشهر)

«لَمْ» اسم استفهام مخفف از «لماذا» است که زمان فعل را تغییری نمی دهد.
تشریح گزینه های دیگر
 گزینه «۱»: «ما عرفت» و «مررت» ماضی ساده هستند.
 گزینه «۲»: «تحملاوا» ماضی ساده است.

گزینه «۳»: «حاولت» ماضی ساده است.

(قواعد فعل)

-۳۸

(قالد مشیریناهی- (ملکان)

در گزینه «۳»، «كانت ... ورَأْتُ» ماضی بعيد است و ترجمه شدن آن به صورت «پخش می کرد» نادرست است و باید به صورت «پخش کرده بود» ترجمه شود.

(ترجمه)

-۳۳

(سید محمدعلی مرتفعی)

گزینه «۳»: «لِـ» معنای «لاید» می دهد: «دانشمندان تلاشگر باید گروهی فرهنگی تشکیل دهند که هدف والای ما را محقق گردازند!»

تشریح گزینه های دیگر
 گزینه «۱»: «لِـ» معنای «تا اینکه، برای اینکه» می دهد: «برای این که به سخن سختران به دقت گوش دهیم، در جلوی سالن نشستیم!»
 گزینه «۲»: «لِـ» معنای «تا، تا اینکه» می دهد: «از آن چه از نعمتها که داریم، اتفاق می کنیم تا دیگران نیز هنگام فقر به ما بپوشند!»

گزینه «۴»: «لِـ» معنای «تا، تا اینکه» می دهد: «هر کارمند روزانه هشت ساعت کار می کند تا خانواده اش در راحتی زندگی کند!»

(قواعد فعل)

-۳۹

(هیرش صمدی توار- مریوان)

در این گزینه، هم حدیث و هم بیت مقابل آن به مدارا کردن با مردم اشاره دارند.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: آیه شریفه در مورد وفای به عهد و اهمیت آن است، اما بیت مقابل آن در مورد برتری عمل کردن بر سخن گفتن است.
 گزینه «۲»: حدیث در مورد یکسان نبودن اوضاع روزگار و بیت مقابل آن، در مورد بالا رفتن سن و سال و ترک نشدن عادات بد است.
 گزینه «۴»: حدیث در مورد ارزش علم نافع و سودمند و بیت مقابل آن، در مورد اهمیت سخن گفتن است.

(مفهوم)

-۳۴

(بهزاد بیانیش- فائمشهر)

«كأنَّ» از افعال ناقصه نیست.
 در گزینه «۱»: «تصبِحُ»، در گزینه «۳»: «تصبِحوا» و در گزینه «۴»:
 «تصبِحُ» از افعال ناقصه هستند.

-۴۰

(سید محمدعلی مرتفعی)

«حالتی که آن را احساس می کنیم وقتی معده از غذاها پر می شود!» تعریفی درست برای کلمه «الجوع: گرسنگی» نیست.

(مفهوم)

-۳۵



(محمد رضایی‌لقا)

رسیدن به نعمت‌های اخروی، یک زندگی جذی و یک عزم قوی و استوار را طلب می‌کند و کسی که به دنبال خواسته‌ها و تمایلات نفس خود است، نمی‌تواند انتظار سعادتمندی در دنیا و بهره‌مندی از نعمات بهشتی را داشته باشد.
درست است که اسلام در هر دوره و زمانه‌ای قابل اجراست و هر قدر زندگی بشر پیچیده‌تر شود و نیازهای جدیدی پدید آید، فقهاء و مجتهدین می‌توانند احکام اسلامی متناسب با آن شرایط را استخراج کنند، اما این بدين معنا نیست که اگر جوامع بشری دچار انحراف شدند و خواسته‌ها و تمایلات مخالف با سعادت خود پیدا کردند، اسلام آن خواسته‌ها را بپذیرد و مطابق با آن حکم کند. در طول تاریخ جوامعی بوده‌اند که منحرف شده‌اند، اما پیامبر شان در مقابل آن انحراف ایستاده و با آنان مبارزه کرده است.

-۴۸

(ویدیوه کاغذی)

تکرار توبه اگر واقعی باشد، نه تنها به معنی دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می‌شود.
توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه اگر ایمان و عمل صالح نیز به دنبال آن بیاید، گناهان را به حسنات تبدیل می‌کند.

-۴۹

(دین و زندگی ۳، درس ۷، صفحه ۸۸)

(مرتضی محسنی‌کبیر)

اگر دقت کنیم در این گزینه کلمه «شرایط ویژه» ما را به حکم «واجب کفایی» رهنمود می‌سازد. به کلمه «ضرورت» هم باید دقت کرد، چون این کلمه با حکم «واجب کفایی» می‌آید.

-۵۰

(دین و زندگی ۳، درس ۸، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

(امین اسریان‌پور)

تفرقه و پراکندگی، به سرعت یک حکومت را از پای در می‌آورد و سلطه‌گران را بر کشور مسلط می‌کند و همیستگی اجتماعی، کشور را قوی می‌کند.

-۵۱

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه ۱۴۷)

(محمد رضایی‌لقا)

نتیجه تفرقه، هشدار دادن به مردم است: «لیندروا قومهم» و همه مؤمنان نباید برای تفرقه اعزام شوند بلکه از هر فرقه‌ای، گروهی باید کوچ کنند: «نفر من كل فرقه منه طلاقه».

-۵۲

ترجمه آیه: «و نمی‌شود که مؤمنان، همگی [برای آموزش دین] اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آن‌ها اعزام نشوند تا دانش دین را [به‌طور عمیق] بیاموزند و آن‌گاه که به سوی قوم خویش بازگشته‌اند، آن‌ها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الپی] بترسند.»

-۵۳

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه ۱۴۶)

(مرتضی محسنی‌کبیر)

با توجه به آیه شریفه «لذین احسنوا الحسنی و زیاده: برای کسانی که نیکوکاری پیشه کرده‌اند، پاداش نیک و چیزی فردون تر است» لطف و فضل الهی به انسان نیکوکار موجب افزایش پاداش است. و علت وجود غبار ذلت و نشستن آن بر چهره انسان کسب گناهان است، خداوند در قرآن می‌فرماید: «و اللذین کسبوا السیئات جزاء سیئۃ بمحثها و ترهقهم ذلت: و آنان که بدی پیشه کرده‌اند، جزای بد به اندازه عمل خود می‌بینند و بر چهره آنان غبار ذلت می‌نشینند.»

-۵۴

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه ۱۵۷)

دین و زندگی ۳

-۴۱

(امین اسریان‌پور)

از روش‌های شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت این است که او را گام به گام و آهسته به سمت گناه می‌کشاند تا در آن فرایند تدریجی، متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند.

(دین و زندگی ۳، درس ۷، صفحه ۱۹)

-۴۲

(سیرا احسان هنری)

آیه ۱۰۹ سوره توبه: «فَمَنِ اتَّسَعَ بَيْانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَ رَضْوَانُهُ خَرَّاً مِنْ اتَّسَعَ بَيْانَهُ عَلَى شَفَاعَةِ جَرِفٍ هَارِفَانِهِارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»
(دین و زندگی ۳، درس ۸، صفحه ۹۹)

-۴۳

(همیوشه ایتسام)

توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست و شو می‌دهد؛ مصدق رحمت خدا در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا أَتَهُو الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» مشهود است. به همین جهت رسول خدا می‌فرماید: «الثَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَفَنَ لَذَنْبَ لَهُ: كَسِيَ كَهْ از گناه توبه کرده مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.»

(دین و زندگی ۳، درس ۷، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

-۴۴

(سید عباس سید‌شیبستری)

یکی از معیارهای تمدن اسلامی «ارتفاع جایگاه خانواده» است که آیه شریفه «و من آیاته ان خلق لكم ...» مؤید آن است و حمایت‌های حضرت خدیجه (س) و همراهی‌های حضرت زهرا (س) از پیامبر اکرم (ص) نشانه خانواده گرم و صمیمی حضرت رسول اکرم (ص) است.

(دین و زندگی ۳، درس ۹، صفحه ۱۱۷)

-۴۵

(سید عباس سید‌شیبستری)

از جمله معیارهای تمدن اسلامی، دعوت رسول اکرم (ص) از مردم برای یکتاپرستی بود و ایشان می‌فرمود: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الْمُحَاجَةِ جَزِيلًا». و آیه شریفه «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ...» که در ارتباط با دو معیار دعوت به توحید و معاد است، نزدیکترین ارتباط را با عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دارد.

(دین و زندگی ۳، درس ۹، صفحه ۱۱۳)

-۴۶

(سیرا احسان هنری)

سخن پیامبر (ص) و آیه شریفه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رَسُولًا إِلَيْكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْذَلْنَا مَعْهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ ...» هر دو به مفهوم عدالت‌طلبی از معیارهای تمدن اسلامی اشاره دارند.

(دین و زندگی ۳، درس ۹، صفحه ۱۱۵ و ۱۱۶)

-۴۷

(مرتضی محسنی‌کبیر)

قرآن‌کریم، در آن جا که اوصاف نمازگزاران را بیان می‌کند، یکی از ویژگی‌های آن‌ها را این‌گونه ذکر می‌کند که آنان در مال خود برای محروم و فقیران نیز حق معینی قرار داده‌اند و آن جا که تکذیب‌کنندگان دین را معروفی می‌کنند، از کسانی یاد می‌کنند که یتیمان را از خود می‌رانند و دیگران را به اطعام مساکن تشویق نمی‌نمایند.

(دین و زندگی ۳، درس ۹، صفحه ۱۱۴)



زبان انگلیسی ۳

(عنی شکوهی)

-۶۱

ترجمه جمله: «قد خواهرم فقط ۴/۵ فوت است. اگر یک فوت بلندتر می‌بود، شاید بستکالیست خوبی می‌شد.»

نکته مهم درسی

ساخت این جمله بیانگر شرطی نوع دوم است، پس در جای خالی به گذشته ساده نیاز داریم (رد گزینه‌های ۲ و ۴). در شرطی نوع دوم بهتر است برای همه ضمایر از "were" استفاده کنیم. اگر چه در این جمله کاربرد "was" غلط نیست، اما "بر" ارجحیت دارد.

(گرامر)

(پووار مؤمن)

-۶۲

ترجمه جمله: «از جی، درمورد دردسترس بودنش برای همکاری در مورد پروژه جدید پرسیده شده است تا مدیر بتواند بهترین انتخابش را انجام دهد.»

۲ منبع

۱ توسعه

۴ دردسترس بودن

۳ عمومیت

(واژگان)

(پووار مؤمن)

-۶۳

ترجمه جمله: «در استرالیا در مقطع دکتری دانشجوی پژوهش (تحصیلات) تکمیلی بودن، کاری دشوار است. در عمل، وقت آزاد زیادی به دست نمی‌آورید تا استراحت کنید.»

۲ فوری

۱ معنادار

۴ غیرعملی

۳ پرفشار، دشوار

(واژگان)

(رضا کیاسالار)

-۶۴

ترجمه جمله: «افرادی که مقادیر زیادی شکر مصرف می‌کنند بیشتر احتمال دارد که به چاقی مفرط و دیگر بیماری‌های مزمن مانند دیابت دچار شوند.»

۲) کشف کردن

۱) ابداع کردن

۴) مصرف کردن

(واژگان)

(پووار مؤمن)

-۶۵

ترجمه اینگلیسی: «خوشبختانه همگی زبانی که به صورت مشترک صحبت می‌شند داشتیم، اینگلیسی؛ که به این معنا بود که می‌توانستیم با هم ارتباط برقرار کنیم.»

۲) به صورت مشترک

۱) به صورت فنی

۴) با احترام

۳) به صورت غیرممکن

(واژگان)

(سید عباس سیدشیبستی)

حدیث «آنه لیس لانفسکم ثمن آلا الجنة: همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس (خود را) به کمتر از آن نفوشید.» به شناخت ارزش خود و نفوختن خویش به بهای اندک، اشاره دارد.

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه‌های ۱۵۸ و ۱۵۹)

-۵۴

(مبوبیه ایسام)

معنای آیه: «خداؤند برای شما همسرانی از نوع خودتان قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی نهاد و از پاکیزه‌ها به شما رزق و روزی داد. حال، آیا آنان به باطل ایمان می‌آورند و به نعمت الهی کفران می‌ورزند؟»

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه ۱۶۹)

-۵۵

(فیروز نژادرنجف- تبریز)

رد گزینه «۱»: گروهی از مردم رد گزینه «۲»: آنان حجت امام بر مردمند رد گزینه «۳»: در حد توان، نه به طور کامل

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه‌های ۱۶۲ و ۱۶۳)

-۵۶

(فیروز نژادرنجف- تبریز)

خداؤند به انسان وعده دیدار داده و بهشتی به وسعت همه آسمان‌ها و زمین برایش آماده کرده است. در همین راستا خداوند می‌فرماید: «ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم» این سخن مربوط به شناخت ارزش خود و نفوختن خویش به بهای اندک (خودشناسی) است.

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه‌های ۱۵۸ و ۱۵۹)

-۵۷

(فیروز نژادرنجف- تبریز)

هر جوان به طور طبیعی و فطری خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و رابطه غیرشرعی با جنس مخالف نداشته باشد. کسی که چنین خواسته‌ای دارد، باید خودش این‌گونه باشد زیرا نظام هستی بر عدالت است.

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه ۱۷۴)

-۵۸

(فیروز نژادرنجف- تبریز)

اگر مرجعیت دینی نیاید، یعنی متخصصی نباشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند. مردم با وظایف خود آشنا نشده و به آن وظایف عمل نمی‌کنند. تقلید یک روش رایج عقلی است یعنی انسانی که در چیزی متخصص ندارد، به متخصص مراجعه می‌کند.

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه‌های ۱۶۱ و ۱۶۳)

-۵۹

(مبوبیه ایسام)

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب همسر مناسب مطرح می‌شود. خداوند زن و مرد را به گونه‌ای افریده که زوج یکدیگر باشند یعنی در کنار هم قرار گیرند و یکدیگر را کامل کنند.

(دین و زندگی ۲، درس ۱۰، صفحه‌های ۱۷۱ و ۱۷۵)

-۶۰



(عبدالرشید شفیعی)

نکته: ساختار جملات شرطی که برای بیان نتیجه عمل در زمان آینده استفاده می‌شوند، در این سؤال آمده است. در این حالت (شرطی نوع اول) جمله شرط در زمان حال ساده و نتیجه شرط در زمان آینده خواهد بود.

(کلوزتست)

-۷۴

(امیرحسین مراد)

-۶۶

ترجمه جمله: «هدف این متن چیست؟»

«گفتن این ماجرا که چرا ما به شیوه کنونی می‌نویسیم.»

(درک مطلب)

(عبدالرشید شفیعی)

-۷۵

نکته: برای ساخت شکل مفعولی یک فعل باید از ساختار "verb+ ed" (شكل سوم فعل) استفاده کنیم.

(کلوزتست)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۶

ترجمه جمله: «بر طبق پاراگراف، اول وقتی شما به یک اثر هنری نگاه می‌کنید ممکن است احساس شادی داشته باشید هرچند مطمئن نباشید چرا.»

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۷

ترجمه جمله: «متن حقایق زیر را پشتیبانی می‌کند، بهجز این که گالاری‌های هنری امکان می‌دهد شما با مردم معاشرت کنید و به شما کمک می‌کند آرامش باید.»

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۸

ترجمه جمله: «کدامیک از کلمات یا عبارات زیر در متن تعریف شده‌اند؟»
«کورتیزول (پاراگراف ۲)»

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۹

ترجمه جمله: «کدامیک از موارد زیر درباره دیدن یا خلق هنر درست نمی‌باشد؟»
«آن باعث می‌شود بدن (هورمون) سروتونین کمتری آزاد کند.»

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۸۰

ترجمه جمله: «کلمه "enhances" (افزایش دادن) که زیر آن خط کشیده شده از نظر معنایی به "improves" (بهبود دادن) نزدیک‌ترین است.»

(درک مطلب)

(امیرحسین مراد)

(امیرحسین مراد)

-۶۷

ترجمه جمله: «یونانی‌ها چه تغییری در الفبای فنیقی دادند؟»

«آن‌ها حروف را به سمت دیگری چرخاندند.»

(درک مطلب)

(عبدالرشید شفیعی)

-۷۶

نکته: برای ساخت شکل مفعولی یک فعل باید از ساختار "verb+ ed" (شكل سوم فعل) استفاده کنیم.

(کلوزتست)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۶

ترجمه جمله: «فینیقی‌ها اصالتاً از کجا می‌آمدند؟»
«خاورمیانه»

(امیرحسین مراد)

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۷

ترجمه جمله: «متن حقایق زیر را پشتیبانی می‌کند، بهجز این که گالاری‌های هنری امکان می‌دهد شما با مردم معاشرت کنید و به شما کمک می‌کند آرامش باید.»

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۸

ترجمه جمله: «کدامیک از کلمات یا عبارات زیر در متن تعریف شده‌اند؟»
«کورتیزول (پاراگراف ۲)»

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۷۹

ترجمه جمله: «کدامیک از موارد زیر درباره دیدن یا خلق هنر درست نمی‌باشد؟»
«آن باعث می‌شود بدن (هورمون) سروتونین کمتری آزاد کند.»

(درک مطلب)

(ممدر ریمی نصرآبادی)

-۸۰

ترجمه جمله: «کلمه "enhances" (افزایش دادن) که زیر آن خط کشیده شده از نظر معنایی به "improves" (بهبود دادن) نزدیک‌ترین است.»

(درک مطلب)

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) منحصر به فرد

(۲) ناتوان

(۳) نگران

(۴) ماهر

(کلوزتست)

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) اخلاقی

(۲) فلزی

(۳) افسرده

(۴) متعجب

(کلوزتست)

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) رسم

(۲) کشور

(۳) قالیچه

(۴) صنعت دستی

(کلوزتست)

۲ زبان انگلیسی

-۷۱

(۱) ناتوان

(۲) فلزی

(۳) افسرده

(۴) متعجب

(۱) اخلاقی

(۲) فلزی

(۳) متعجب

(۱) رسم

(۲) کشور

(۳) قالیچه

(پواد مؤمن)

-۶

ترجمه جمله: «نمی‌دانم اگر تمام بیماری‌ها در دنیا کاملاً ریشه‌کن می‌شود، انسان‌ها چقدر عمر می‌کردند.»

نکته: شرطی نوع دوم بیانگر حالتی است که در آن امکان انجام عمل در زمان حال موجود نیست (در این مثال، هنوز تمام بیماری‌ها ریشه‌کن نشده‌اند، در نتیجه شرطی نوع دوم است). به ساختار آن توجه کنید:

«... + شکل ساده فعل + would + فاعل، گذشته ساده + فاعل + If

بنده شرط
بند جواب شرط

(گرامر)

(پواد مؤمن)

-۷

ترجمه جمله: «اگر هنرمندان و متفکران خلاق در طول تاریخ جهان جرئت نکرده بودند متفاوت باشند، تاریخ تمدن بایستی از نوشته می‌شد.»

نکته: گاهی در جملات شرطی، ممکن است بند شرط به مفهوم گذشته دلالت کند، در حالی که جواب بند شرط به مفهوم حال اشاره داشته باشد (شرطی ترکیبی). در این سوال، بند شرط به گذشته و بند جواب شرط به زمان حال دلالت می‌کند (ترکیب شرطی نوع سوم با شرطی نوع دوم). در این حالت طبق ساختار شرطی نوع سوم، زمان بند شرط باید گذشته کامل و طبق ساختار شرطی نوع دوم، زمان بند جواب شرط باید آینده در گذشته ساده باشد.

(گرامر)

(پواد مؤمن)

-۸

نکته: از آن جایی که جمله اصلی به زمان گذشته دلالت دارد، برای تبدیل آن به جمله شرطی، باید از شرطی نوع سوم استفاده کرد:

If $would$ $could$ $might$ $should$	$+ \text{ فعل} + \text{ فعل}$ $\left\{ \begin{array}{l} \text{گذشته کامل} \\ \text{کامل} \end{array} \right.$	$+ have + p.p. + \dots$
---	--	-------------------------

دقت کنید اگر جمله به زمان حال اشاره می‌کرد، باید از شرطی نوع دوم استفاده می‌شد.

(گرامر)

(پواد مؤمن)

-۹

نکته: «I'd rather” مخفف "I would rather" و به معنی «ترجیح می‌دهم» است؛ در نتیجه در جمله دوم برای اجتناب از تکرار، باید از فعل کمکی "would" استفاده شود (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱» و «۳»). در ضمن، از آن جایی که هر دو جمله مثبت‌اند، کاربرد "either" که در ساختار اجتناب از تکرار دو جمله منفی به کار می‌رود، نادرست است. مثال:

“I'd rather not have a quiet night in front of the TV, and she wouldn't either.”

(گرامر)

زبان انگلیسی تخصصی

-۱

(پواد مؤمن)

ترجمه جمله: «اگر می‌خواهید به باشگاه کتاب ما ملحق شوید، باید این فرم را پر کنید و حق عضویت بسیار ناچیزی پردازید.»

(۱) (موقعی) جانشین ... شدن (۲) پر کردن (پرسشنامه)

(۳) فهمیدن (۴) حساب کردن روی

نکته: گزینه‌های «۱» و «۴» جزء افعال جدانشدنی و گزینه‌های «۲» و «۳» جزء افعال جدانشدنی هستند.

(گرامر)

-۲

(پواد مؤمن)

نکته: فعل دو کلمه‌ای "count on" به معنی "روی ... حساب کردن" و فعل دو کلمه‌ای "stand by" به معنی "از ... حمایت کردن" جزء افعال جدانشدنی هستند، بنابراین ضمیر مفعولی نمی‌تواند بین فعل و جزء قیدی قرار گیرد.

(گرامر)

-۳

(پواد مؤمن)

ترجمه جمله: «بارش برف سنگینی در پاییز داشتم که برای این وقت سال خیلی غیرعادی است؛ اگر زمستان امسال زود دارد شروع می‌شود.»

(۱) جدا کردن (۲) شروع شدن

(۳) فراهم کردن، نصب کردن (۴) عرضه کردن

نکته: گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» جزء افعال جدانشدنی و گزینه «۲» جزء افعال جدانشدنی هستند.

(گرامر)

-۴

(پواد مؤمن)

نکته: سؤال ضمیمه برای جملات امری منفی "will you?" می‌باشد. مثال:

“Don't come late, will you?” «دیر نیا، ممکنه؟»

«Never try to frighten me, will you?” «هرگز سعی نکن مرا بترسانی، ممکنه؟»

(گرامر)

-۵

(پواد مؤمن)

نکته: قید منفی "scarcely" به معنی «به ندرت» به جمله حالت منفی داده است، در نتیجه سؤال ضمیمه باید مثبت باشد (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱» و «۳»).

دقت کنید که جمله معلوم (فعل "snow" لازم است و مجھول نمی‌شود) و زمان آن حال کامل است، در نتیجه "S" مخفف "has" می‌باشد، نه "is". در سؤال ضمیمه نیز باید از فعل کمکی "has" استفاده شود.

(گرامر)

(عبدالرئیس شفیع)

-۱۵

(پوار مؤمن)

-۱۰

ترجمه جمله: «قرارداد بین دو شرکت آخر سال به پایان خواهد رسید و باطل خواهد شد.»

۲) خاموش کردن

۱) به پایان رسیدن

۳) تمدید کردن

۴) آشکار کردن

(واژگان)

نکته: قید "seldom" به معنی «به ندرت» جمله را منفی کرده است، در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۳» که در تأکید جملات مثبت به کار می‌روند، نادرست می‌باشند. «but» در ساختار اجتناب از تکرار دو جمله متناقض به کار می‌رود، در نتیجه در گزینه «۲»، فعل باید به صورت مثبت آورده شود.

(گرامر)

(نرا باران طلب)

-۱۶

(علی شکوه)

-۱۱

ترجمه جمله: «مارسیا که از بدن جایزه هیجان‌زده شده بود، روی سن رفت و سخنرانی پرانرژی و (سرزنده‌ای) را ارائه کرد.»

۲) ترسناک

۱) سنتی

۴) سرزنش، پرانرژی

۳) مسکونی

(واژگان)

۱) وانمود کردن

۴) فراغیر بودن

۳) مقدم بودن

(علی شکوه)

-۱۷

(میرحسین زاهدی)

-۱۲

ترجمه جمله: «وکلا مطمئن بودند که نمی‌توانند پرونده را ببرند، چرا که قاضی به استدلالشان بسیار بی‌اعتماد بود.»

۲) بی‌اعتماد، بدگمان

۱) سوگوار

۴) خودنما

۳) وحشتناک

(واژگان)

۱) درستی

۴) ارتباط، تطبیق

۳) کوتاهی

(میرحسین زاهدی)

-۱۸

(رضا کیاسالار)

-۱۳

ترجمه جمله: «منجمد کردن غذا تأثیر زیادی بر روی عادات غذایی ما گذاشته است، به گونه‌ای که حتی تغییر روش زندگی‌مان پیش رفته است.»

۲) متراکم

۱) فراوان، زیاد

۴) متداول، فراغیر

۳) حواسپرت

(واژگان)

۱) بیانیه، اعلام

۴) پشتیبان، طرفدار

۳) دسته، طبقه

(رضا کیاسالار)

-۱۹

(شواب اثماری)

-۱۴

ترجمه جمله: «اگر چه مسئله‌ای که با آن روبه‌رو بود کاملاً عادی به نظر می‌رسید، قادر به حل آن نبود.»

۲) مهربان، محبت‌آمیز

۱) خشنوت‌آمیز

۴) دفاعی، تدافعی

۳) عادی، معمولی

(واژگان)

۱) طرز کار، عمل جراحی

۴) عامل

۳) اقدام، اندازه

(مهربی احمدی)

-۲۵

ترجمه جمله: «خانه بر اثر انفجار کاملاً ویران شد؛ خوشبختانه وقتی این اتفاق افتاد، کسی خانه نبود.»

(۲) غیرجانبدارانه

(۱) کاملاً

(۴) بهصورتدرخشان

(۳) باعلاقه

(واژگان)

(شواب اثماری)

-۲۰

ترجمه جمله: «اگر چه او در بازی قبلی استعداد بسیاری از خود به نمایش گذاشته بود، کاپیتان علاقهمند نبود او را در تیم داشته باشد.»

(۱) محتمل

(۲) علاقهمند، شدید

(۴) تندخوا، ناسازگار

(۳) ناگاه، بی خبر

(واژگان)

(مسعود غایبی)

-۲۶

صفات فاعلی «+ ing» مصدر بدون "to" ایجادکننده حالت و صفات مفعولی "p.p" پذیرای حالت هستند. ساختار جمله آخر در گزینه «۱» نادرست است.

(ترتیب اجزای جمله)

(عبدالرشید شفیعی)

-۲۱

ترجمه جمله: «سیم‌های عروسک خیمه شب بازی همه در هم تنیده بودند و مدت بسیار زیادی طول کشید تا آن‌ها را از هم باز کنم.»

(۱) از هم باز کردن، گشودن

(۲) توزیع کردن، پخش کردن

(۴) سخن گفتن

(۳) دلسرب کردن، نامید کردن

(واژگان)

(امید یعقوبی فرد)

-۲۷

وجه جمله معلوم است، بنابراین گزینه‌های «۱» و «۲» نادرست هستند.
کاربرد ربطدهنده "while" در گزینه «۴» نادرست است.

(ترتیب اجزای جمله)

(نزا باران طلب)

-۲۲

ترجمه جمله: «گاهی اوقات امیال ناخودآگاه مردم را به انجام کارهایی وا می‌دارد که خودشان هم نمی‌توانند باور کنند.»

(۱) بی ارزش

(۴) ناخودآگاه

(۳) پیشرفت

(واژگان)

(امید یعقوبی فرد)

-۲۸

در این سؤال اسمای "erosion" و "material" غیرقابل شمارش هستند، بنابراین با فعل مفرد به کار می‌روند. به نحوه علامت‌گذاری ربطدهنده "however" توجه کنید.

جمله However. جمله

جمله however; جمله

(ترتیب اجزای جمله)

(بوار مؤمنی)

-۲۳

ترجمه جمله: «در بیشتر کشورها لازم است برای شکار یا ماهی‌گیری مجوز داشته باشید.»

(۱) توضیح

(۴) تصمیم، قصد

(۳) مجوز

(واژگان)

(سراسری زبان - ۸۹)

-۲۹

کاربرد ضمیر "it" در گزینه‌های «۱» و «۳» نادرست است. ساختار گزینه «۲» نادرست است، در ضمیر قبل از "ash tree" به حرف تعريف معین "the" نیاز داریم.

(ترتیب اجزای جمله)

(عبدالرشید شفیعی)

-۲۴

ترجمه جمله: «آن‌هایی که از بیماری‌های روانی رنج می‌برند، نیاز فوری به کمک دارند؛ اگر بیماری‌هایشان درمان نشود، می‌توانند هم برای خودشان و هم برای دیگران بسیار خطرناک باشند.»

(۱) زودگذر

(۴) خراب، نکوهیده

(۳) دولطوفه

(واژگان)

(سراسری زبان - ۸۵)

-۳۰

به عبارت "lose/run out of patience with sb" (تمام شدن صبر نسبت به کسی) توجه کنید. گزینه «۲» نادرست است، زیرا بعد از "another" اسم مفرد قابل شمارش به کار می‌رود.

(ترتیب اجزای جمله)

(پواد مؤمن)

-۳۵

- (۲) ندانستن، خبر نداشتن
 (۴) هم پیمان شدن
- (۱) خسیس بودن
 (۳) همبل بودن

(مکالمه)

A: آیا خبر را شنیده‌ای که ماری و سم نامزدند؟

- B: شوخی نکن! آن‌ها باید بسیار خوشحال و هیجان‌زده باشند.
 A: آره، در پوست خود نمی‌گنجند.

(پواد مؤمن)

-۳۶

نکته: عبارت "to make a promise" به معنی «قول دادن» است.

(مکالمه)

(پواد مؤمن)

-۳۷

- (۲) راه و چاه را بد بودن
 (۴) پا روی دم شیر نگذاشتن
- (۱) دم را دریافتند
 (۳) مسئولیت را به گردن گرفتن

(مکالمه)

A: آسان بگیر

- (۱) شوخی نکن
 (۳) واقعاً می‌گوییم

(مکالمه)

A: صبح بخیر؛ دانشگاه لنکستر (بفرمایید).

B: صبح بخیر. می‌خواستم با خانم او نزص صحبت کنم، لطفاً.

A: آیا شماره‌ی داخلی شان را می‌دانید؟

B: بله، ۰۱۷۱۸.

A: یک لحظه لطفاً. الان ارتباط شما را وصل می‌کنم. متأسفم، خط ایشان اشغال است. می‌توانید صبور کنید؟

B: نه، متشرکم. بعداً تماس می‌گیرم.

(پواد مؤمن)

-۳۸

- (۲) داخلی
 (۴) حساب
- (۱) تلفن
 (۳) سریال

(مکالمه)

(پواد مؤمن)

-۳۹

- (۲) گیرافاتدن
 (۴) وصل کردن (تماس تلفنی)
- (۱) نامه نوشتند
 (۳) تماس گرفتن

(مکالمه)

(پواد مؤمن)

-۴۰

- (۲) زنگ خوردن
 (۴) منتظر نگهدارشتن
- (۱) اشغال بودن
 (۳) در دسترس نبودن

(مکالمه)

A: آیا شنیده‌ای که جورج دیشب درگذشت؟

- B: او، خدای من! چه خبر غم انگیزی!

(پواد مؤمن)

-۳۳

- (۱) تو حرف پریدن
 (۳) درگذشتن

(مکالمه)

A: کمی برای بیل نگرانم. قبل‌آ هیچ وقت دور از خانه نبوده است.

B: نگران نباش! باید یاد بگیرد که از خودش مراقبت کند و روی پاهای خودش بایستد.

(پواد مؤمن)

-۳۴

- (۱) بچه ننه بودن
 (۲) خوب خوردن، اشتهای خوبی داشتن
 (۳) دیوانه شدن، عقل خود را از دست دادن
 (۴) روی پاهای خود ایستادن

(مکالمه)

A: هیچ نمی‌دانستم که ترتیب شام را دادن این قدر دشوار خواهد بود. در فکر کناره‌گیری هستم.

- B: نمی‌توانی این کار را انجام بدھی! تو قول دادی که کناره‌گیری نمی‌کنی؛ حالا باید مسئولیت را به گردن بگیری.

<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) به شکل خندهداری ۴) به لحاظ عاطفی</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۸	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) رد کسی / چیزی را گرفتن ۴) شامل شدن</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۱
<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) درخواست کردن ۴) در نظر گرفتن</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۹	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>نکته: فعل "contain" به معنی «شامل بودن» متعدد است و چون مفعول "them" بعد از آن قرار گرفته، دارای وجه معلوم می‌باشد. برای کوتاه کردن جمله پیرو وصفی، هنگامی که ضمیر موصولی در حالت فاعلی قرار دارد، (بعد از ضمیر موصولی فعل قرار گیرد)، ضمیر موصولی را حذف کرده و فعل را به صورت "ing" می‌نویسیم. جمله ابتداء این صورت بوده است: "... the structure that/ which contains them ...".</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۲
<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>نکته: "to" حرف اضافه‌ی مناسب "exposed" به معنی «در معرض چیزی بودن» است.</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۵۰	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) متأسفانه ۴) به طور رایگان</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۳
<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) دورو، ریاکار ۴) نگران کننده</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۵۱	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) به ندرت ۴) بلند، با صدای بلند</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۴
<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) مخالفت کردن ۴) گمان کردن</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۵۲	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) به طور مصنوعی ۴) به شدت</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۵
<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) همه‌گیر ۴) شغلی</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۵۳	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) اولویت، ترجیح ۴) تجربه، آزمایش</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۶
<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>نکته: "to" حرف اضافه‌ی مناسب فعل "lead" به معنی «منجر شدن» می‌باشد.</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۵۴	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) دخالت کردن، مزاحم شدن ۴) پیشرفت کردن</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۷
<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) بهبود بخشیدن، بهتر کردن ۴) توسعه دادن، تمدید کردن</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۵۵	<p>(عبدالرشید شفیعی)</p> <p>۲) افزایش دادن، افزایش یافتن ۴) القاء کردن</p> <p>(کلوزتست)</p>	-۴۸

<p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «طبق متن، این گرایش وجود دارد که خاک‌های اسیدی با مقدارهای زیادی از باران مرتبط باشند.» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «چگونه بحران یخچالی بر خاک در آمریکای شمالی اثر گذاشت؟» «آن مواد معنده را به خاک افزود.» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «متن کدامیک از جملات زیر را تأیید می‌کند؟» «آمریکای خشک لزوماً به خاطر حضور بیابان‌ها مشخص نمی‌شود.» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «متن عمدتاً درباره کدام جنبه از نقاشی در قرن نوزدهم بحث می‌کند؟» «گروهی از هنرمندان با تکنیک و رویکردی جدید به هنر.» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «کلمه "represent" در خط دوم از لحاظ معنایی به "نیان دادن" نزدیک‌ترین است.» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «طبق متن، کدامیک از موارد زیر یکی از مشخصه‌های متمایز نقاشی امپرسیونیستی است؟» «ترسیم آثار نور و رنگ» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «کدامیک از موارد زیر روش قابل توجهی است که در آن امپرسیونیست‌ها با هنرمندانی که پیش از آن‌ها بودند، متفاوت بودند؟» «آن‌ها به نقاشی موضوعاتشان در فضای باز می‌پرداختند.» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «نمایشگاه نقاشی‌ها که در سال ۱۸۷۴ سازماندهی شد، به همه موارد زیر منتج شد بهزیک تقاضای فوری برای نقاشی‌های به نمایش درآمده.» (درک‌مطلوب)</p>	<p>-۶۴</p> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «استدلال پاستور علیه نظریه تکوین خودانگیخته»</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «عبارت "teeming with" در خط ۲ از نظر معنایی به "full of" نزدیک‌ترین است.»</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «نظریه نسل خود انگیخته تلاش کرد تا به کدامیک از سوالات زیر پاسخ دهد؟» «خاستگاه ارگانیسم‌های زنده که در برخی غذا(ها) دیده می‌شود، چیست؟» (درک‌مطلوب)</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «هدف "guncotton" که در بند دوم ذکر شده این بود که ذرات را برای بررسی محبوس کند.»</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «اشیایی که پاستور از هوا در تجربه‌اش (آزمایشش) برداشت (زدود) قابل توجه بودند، زیرا آن‌ها متفاوت نبودند از اشیایی که در مواد در حال فاسد شدن یافت می‌شدند.»</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «متن عمدتاً درباره چه جنبه‌ای از آمریکای شمالی صحبت می‌کند؟» «ابواع خاک‌ها و الگوهای پوشش گیاهی»</p> <hr/> <p>(پواد مؤمن)</p> <p>ترجمه جمله: «کلمه "spawn" در خط یک از نظر معنایی به "create" نزدیک‌ترین است.»</p>
---	--